

## فهرست

فصل اول: کلیات.....	
1	
1-1- بیان مسأله	
3.....	
1-2- فرضیه و پرسش های تحقیق	
3.....	
1-3- مواد	
3..... پژوهش	
1-4- روش پژوهش	
3.....	
1-5- پیشینه تحقیق	
4.....	
1-6- اهداف	
5	
1-7- پیشینه و مبانی نظری	
6.....	
1-7-1- پیشینه ی نشانه شناسی.....	
6	
1-7-2- سوسور و نشانه شناسی.....	
7	
1-7-3- پیرس و نشانه شناسی .....	
10	
1-7-4- نشانه شناسی؛ تعریف و برخی مفاهیم آن.....	
13	
1-7-5- نشانه شناسی در حوزه ی فرهنگ و	

جامعه.....	17
.....	18
.....	19
.....	20
.....	22
.....	24
.....	26
.....	26
.....	26
.....	27
.....	31
رویکردهای	33
.....	34
.....	34

.....پساساختارگرایی 1-8-5-3	37	
.....عرفان 1-9-9	38	
.....1-9-1-1 دین و عرفان در افق زندگی بشر	38	
.....1-9-2-1 تأثیر ادیان و آیین ها در عرفان ایرانی	40	
.....1-9-3-1 تصوف و پیدایش آن	46	
.....1-9-4-1 عرفان و دیگر رویکردهای دینی	50	
.....1-9-5-1 رویکردهای عرفانی	52	
.....1-9-6-1 برخی درون مایه های عرفانی	57	
.....1-9-7-1 عرفان و امر زیبا	62	
.....1-9-8-1 عرفان و اجتماع	63	
.....فصل دوم : نشانه شناسی روایت ها	64	
.....1-2-1-1 نشانه های زمانی	65	
.....1-1-2-1 شب و روز	65	
.....2-1-2-2 خواب و مرگ	66	

.....نشانه‌های مکانی.....2-2	73
.....مسجد و کعبه.....1-2-2	73
.....آب و آتش.....2-2-2	75
.....مکانی.....1-2-2-2	76
.....دگرگونی قدسی.....2-2-2-2	77
.....منزلی.....3-2-2-2	77
.....درخت و باغ.....3-2-2	79
.....بادیه و راه.....4-2-2	81
.....کوه و حیوان.....5-2-2	84
.....شهر و ده.....6-2-3	91
.....گورستان و ویرانه.....7-2-2	94
.....نشانه‌های روایی.....3-2	97
.....شخصیت‌های.....1-3-2	98
.....تکانه.....2-3-2	107
.....پیوند و	

.....تقابل و تناقض 3-3-2	112
.....بینامتنیت 4-3-2	116
.....زاویه دید و تمهید زمانی 5-3-2	120
.....نشانه‌های زبانی 4-2	122
.....واژگان 1-4-2	122
.....خیال 5-2 - صور	131
.....نشانه‌های اسطوره‌ای 6-2	136
.....سلطان و زن 1-6-2	137
.....دور و مرکز 2-6-2	141
.....نشانه‌های تجربه دینی 7-2	148
.....طربناکی 1-7-2	149
.....اعتراض و طنز 1-1-7-2	150
.....وجد و شطح 2-1-7-2	152
.....خواب خدا 3-1-7-2	154
.....دگرگونی، زیبایی 4-1-7-2	154
.....هیبتناکی 2-7-2	156

.....۱-۲-۷-۲-۲ ما و تویی	157
.....۲-۲-۷-۲-۲ شب، سکوت، مرگ	158
.....۲-۲-۷-۲-۲ پیر، هاتف، شیطان	160
.....۴-۲-۷-۲-۲ زن، پری، اژدها	164
.....۵-۲-۷-۲-۲ نهران گونگی، ناگهان بودگی، مدهوشی	166
.....۶-۲-۷-۲-۲ تاوان، شرم، شریعت	170
	فصل سوم : نتیجه
172.....	
.....منابع و مآخذ	177
.....واژه نامه	185

## فصل اول: کلیات

## 1-1- بیان مسأله

برای همه آشناست که «در ازل کلمه بود، کلمه با خدا بود و کلمه خود خدا بود» (کارپنتر، 1388: 30). جملات یاد شده که منبع اصلی آن انجیل یوحنا است گواه این است که زبان و اجزای آن از دیرباز در سپهر اندیشه ی بشری در کانون توجه آدمی بوده است. در اندیشه مردمان مصر باستان، خدای بزرگ، همه موجودات را از راه اندیشه ی بیان شده، یا کلمات گفته شده به وجود آورد (Garry and EL-Shamy, 2005: 26). بنابراین زبان همراه همیشگی هستی و اندیشه آدمی بوده است و دغدغه ها و تأملات بشری فارغ از حوزه ی زبان مشکل نمی گیرد. به گفته ی هایدگر<sup>1</sup> «زبان خانه ی وجود است» (همدانی، 1389: 25). این زبان است که تفکر و اندیشیدن ما را نسبت به جهان می سازد (kienpointner, 2006: 448) و تفاوت های زبانی، تفاوت های هستی شناسانه را می سازد زیرا کارکرد عمده ی زبان آشکار ساختن جهان و هستی است (همدانی، 1389: 243). از افلاطون گرفته تا سوسور<sup>2</sup> و دریدا<sup>3</sup> همه محققان متن و زبان، دغدغه ی رابطه ی زبان و جهان را داشته اند (سجودی، 1388: 47). هستی و زبان در هم تنیده اند و بدون یکی، رفتن به اعماق دیگری و شناخت آن میسر نیست؛ به گفته ی اشتفان گنورگه<sup>4</sup>؛ «پس کناره گرفتم و با تأسف دیدم/ آنجا که کلمه نیست هیچ چیز نتواند بود» (همدانی، 1389: 288). چنین اهمیتی برای زبان، کلمه و نشانه های زبانی، به رویکردی انجامید که دغدغه ها و هسته اصلی توجه آن، نشانه بود و نشانه شناسی نامیده شد. ادبیات نیز گستره ی کلمه ها و نشانه هاست. کلمه و نشانه با تمام توان راز آلودی و ابهام خویش وارد ادبیات می شود و به آن رنگ اسطوره ای می دهد. ادبیات در کلیت خویش خوانش دیگرگون اسطوره هاست. همان گونه که اسطوره ها بیان گر آرزوها، امیال و هراس های آدمی اند (Guerin et al. 2005 : 183)، و بر اندیشه و رفتار آدمی تأثیر گذارند. ادبیات نیز نماد و نشانه ی آرزوها و امیال بشری می گردد. رویکردهای ادبی یا انگیزه ی همراهی و تأثر از این آرزوها را دارند و به جنبه ی ترغیبی و عاطفی متن ها می پردازند (اسکولز، 1379: 48) و یا همچون نشانه شناسی در پی رمز گشای و تفسیر متون هستند.

---

<sup>1</sup> Martin Heidegger

<sup>2</sup> F.D.Saussure

<sup>3</sup> J.Derrida

<sup>4</sup> A.George



مسأله ای که این پژوهش با آن روبرو است و در پی پاسخ به آن است، این است که روایت های عرفانی دارای چه ویژگیها و نشانه های متنی هستند که آنها را از دیگر متون روایی متمایز می نماید. در دست آوردن ویژگی های روایت ها می باید به پرسشهای متعددی پاسخ گفت؛

## 1-2- فرضیه و پرسش های تحقیق

1- روایتهای عرفانی دارای چه مشخصاتی است که آنها را از دیگر روایتهای متمایز می کند؟ 2- نشانه های روایتهای عرفانی دارای چه ژرف ساختها و درون مایه های هستند؟ 3- از لحاظ زبانی روایت های عرفانی دست به انتخاب کدام یک از ویژگی ها و توانایی های زبان می زنند؟ 4- تحولات فرهنگی و اجتماعی و مذهبی چه نشانه هایی را در روایت های عرفانی بر جای گذاشته اند؟ 5- اندیشه ها و رویکردهای مختلف عرفانی که در ارتباط با هستی دارای مرام های متفاوتی هستند، کدام نشانه ها را در متون روایی عرفانی برجسته نموده اند؟ 6- از ویژگیهای تجربه های دینی و عرفانی رازوارگی، نهان گونگی و ناگهان شدگی است. فرض بر این است که این تجربه ها، ساختار نشانه ای ویژه ای را در متون روایی قرار داده اند. به عقیده ما متون روایی عرفانی دارای نشانه های خاص زمانی، مکانی، اسطوره ای، روایی، زبانی و تجربه دینی هستند که با پاسخ به پرسش های یاد شده، آن نشانه ها آشکار و رمزگشایی خواهد شد.

## 1-3- مواد پژوهش

برای پاسخ به این پرسش ها سه متن تاثیرگذار و بنیادین کشف المحجوب هجویری، تذکره الاولیاء عطار و ترجمه رساله قشیریه را از منظر نشانه شناسی بررسی کرده ایم. دلیل انتخاب آثار یاد شده، اهمیت و تاثیر است که این متون در افق عرفانی و ادبی ما داشته و نیز الگوی مولفان بعدی در نگارش اولیا نامه ها بوده است. با بررسی نشانه ای این متون می توان به کلیت ساختار نشانه ای دیگر متون روایی عرفانی نیز دست یافت.

## 1-4- روش پژوهش

در این پژوهش اصل بر بررسی داستان های عرفانی بوده است. در این سه متن، مواردی را به عنوان

روایت بررسی کرده‌ایم که با تعریف جرالده پرنس از روایت همخوان باشد؛ یعنی «بازنمایی دست کم دو رویداد یا موقعیت در یک گستره زمانی معین که هیچکدام پیش‌فرض یا پیامد دیگری نباشد» (پرنس، 1391: 10). با وجود این در تجزیه و تحلیل روایت‌های عرفانی، روایت‌های غیر داستانی نیز بررسی شده، هر جا در فهم و بررسی روایت‌ها به کار آمده‌اند، به آنها استناد و ارجاع داده شده است. پژوهش حاضر بر اساس رویکرد نشانه‌شناسی به متن می‌نگرد و به تجزیه و تحلیل آن می‌پردازد. نشانه‌شناسی مطالعه‌ی نظام مند نشانه‌هاست (Egleton, 1996: 87). در نشانه‌شناسی، لایه‌های پوشیده و ضمنی دلالت‌ها بررسی و تحلیل می‌شود. از میان تمام رویکردهای نشانه‌شناسی، الگوی «پیرس» مورد نظر بوده است. الگوی پیرس آشکارا بر خلاف مدل سوسور به تفسیر و مخاطب متن اهمیت می‌دهد (سجودی، 1388: 62). چنین رویکردی با بررسی روایت‌های عرفانی که معانی باطنی را در هاله‌ای از رمز و پوشیدگی ارائه می‌دهند، همخوانی دارد. در این پژوهش بر اساس الگوی نشانه‌شناسی پیرس به بررسی و رمزگشایی از نشانه‌های روایت‌های عرفانی در سه کتاب، تذکره الاولیای عطار، کشف المحجوب هجویری و رساله‌ی قشیریه پرداخته‌ایم. در بررسی و تحلیل نشانه‌ها از دیگر رویکردهای نقد ادبی، چون نقد اسطوره‌ای، زبانی، هرمنوتیک بهره‌برده‌ایم و نشانه‌های روایت‌ها را در دسته‌های مکانی، زمانی، روایی، زبانی، صور خیال، اسطوره‌ای و تجربیات دینی، دسته‌بندی و شرح کرده‌ایم. در ارجاعات درون‌متنی، به نام مؤلفان سه کتاب یاد شده و شماره‌ی صفحه ارجاع، بسنده خواهیم کرد. مشخصات کامل سه کتاب یاد شده در فهرست منابع ذکر شده است.

## 1-5- پیشینه تحقیق

کتاب‌ها و مقالاتی چند در حوزه‌ی نشانه‌شناسی روایت‌های عرفانی نوشته شده است. مریم مشرف در کتاب «نشانه‌شناسی تفسیر عرفانی» به تجزیه و تحلیل نشانه‌های متون تفسیری عرفانی پرداخته است. وی در این کتاب ساختارهای متقابل، زبان، نمادهای طبیعی، سبک دستوری و معانی رمزی حروف تفسیر عرفانی را بررسی کرده به شرح و توضیح آنها از منظر نشانه‌شناسی پرداخته است (مشرف، 1382). حمیدرضا توکلی در مقاله‌ای با عنوان «نشانه‌شناسی واقعه‌ی دقوقی» به نشانه‌شناسی داستان دقوقی از دفتر سوم مثنوی می‌پردازد. وی نمادها و صحنه‌های مکاشفه دقوقی را بررسی می‌کند

و به مقایسه ی آن با داستان موسی و خضر پرداخته ، به تمایز میان عالم غیب و جهان پدیدار می رسد(توکلی، 1386: 34-4). به نظر می رسد متون عرفانی به ویژه روایت های عرفانی بیش از آن چه تا کنون نگاشته شده است ، ظرفیت های تفسیر و رمزگشایی دارد . این پژوهش سعی بر آن دارد ، دریافت های جدیدی را با استفاده از رویکرد نشانه شناسی ، درباره روایت های عرفانی ارائه کند .

### **1-6-اهداف**

پژوهش حاضر کاوشی ناچیز در حوزه ی روایت های عرفانی است که به یاری استادان، فراهم آمده است. چنانچه این پژوهش توانسته باشد نکاتی چند را در بررسی و تحلیل روایت های عرفانی به مخاطبان عرضه کند در هدف خود کامیاب بوده است. روایت های عرفانی به مثابه پاره ای از میراث ادبی با تمام ویژگی های شناخته و ناشناخته خود، هم جایگاهی برای لذت هنری و زیباشناختی و هم میدانی برای رویکردهای رمزگشایانه و تفسیری اند. هر دو گونه از این خوانش، هنگامی که در روایت های عرفانی به کار بسته می شوند، مایه ی ماندگاری این روایت ها در افق فرهنگی جامعه می گردند.» نشانه شناسی روایت های منثور عرفانی « تلاشی برای زنده نگه داشتن لذت و تجربه ی خوانش و تفسیرهای جدید از آن روایت هاست. تجربه ها و خوانش های پیوسته و نظام مند از این روایت ها به عنوان جزئی از میراث ادبی و دینی می تواند مقدمه ای برای شناخت بیشتر این میراث ادبی و دینی باشد.

## 1-7-7 - پیشینه و مبانی نظری

### 1-7-1 - پیشینه ی نشانه شناسی

نشانه شناسی ریشه در رویکردهای زبان شناسی دارد. سابقه ی مطالعات زبانی را می توان در کندو کاوهای دستوریان و فیلسوفان چین، هند و یونان باستان مشاهده کرد که سابقه آن به حدود دو هزار سال پیش می رسد (kienpointner, 2006:446). برخی دیگر چون تزوتان تودوروف<sup>1</sup> سابقه نشانه شناسی را به پیش از تاریخ می برند (گیرو، 1380:9). ژاپنی ها و اعراب هم از اقوامی بوده اند که به تأملات نشانه شناختی پرداخته اند (مکاریک، 1388:326).

ارسطو در بوطیقا و پیرامون فن بیان و منطق به نشانه پرداخت و نظریه مهمی را در باب نشانه، چیستی و کارکرد آن ارائه داد (همان). اندیشه های افلاطون نیز در سیر و تکوین آنچه که امروز نشانه شناسی نامیده می شود نقش مهمی داشته است. بی گمان تأملات افلاطون در ارتجالی بودن مناسبت میان دال و مدلول (ضیمران، 1382:45) نظریه مثل و تمایز واقعیت و بازتاب آن از جمله ایده هایی بود که در تطور نشانه شناسی نقش داشته است.

در دوره های بعدی می توان از قدیس آگوستین<sup>2</sup> نام برد. آگوستین در بررسی و تأملات دینی خود از شیوه های نشانه شناسی بهره برد. وی در بررسی های خود بین نشانه های طبیعی و قراردادی تفاوت قائل شد (گیرو، 1380:144).

در این بین باید از کوشش های صرفی و نحوی مسلمانان در بلاغت، تفسیر، ترجمه قرآن و مباحث مفصل آنها در کلمه و کلام نیز یاد کرد که دارای رویکرد نشانه شناسانه است. چرا که بحث های زبان شناسی در تفاوت زبان و گفتار و نطق و کلام در بین مسلمانان وجود داشته است (فتوحی، 1391:36). در سال (1632م.) فیلسوف اسپانیایی «خوان پوین سوت»<sup>3</sup> در اثری با عنوان «رساله ای در باب نشانه ها» ایده ای را پیشنهاد کرد که احتمالاً نخستین نظریه ی عمومی در باب نشانه ها و کارکرد آن بوده است. (همان، 144-145)

<sup>1</sup> T. Todorov

<sup>2</sup> Saint Augustinus

<sup>3</sup> J. Poinso

بنابر آنچه گفته شد، نشانه و کارکرد آن به عنوان جزئی از ذهنیت و زبان آدمی از اعصار کهن تا به امروز در کانون بررسی ها و اندیشه ورزی انسان بوده است تا مگر از رهگذار آن به چستی و هستی آنچه که در آن و با آن می زید، برسد.

### 1-7-2- سوسور و نشانه شناسی

فردینان دو سوسور، پدر زبان شناسی ساخت گرا بود (kienpointner,2006:445). ساختار گرایان با الهام از کارهای وی در تجزیه و تحلیل زبان شناسی به بررسی ساختاری متون پرداختند، از اصطلاحات و رویکردهای وی استفاده کرده، رویکرد ساختاری به متن را به زبان شناسی ساختار گرا نزدیک کردند. این تأثیر با انتشار رساله ای از درس گفتارهای وی با عنوان « درس هایی در زبان شناسی عمومی» (1915) که بعد از مرگ وی منتشر شد، آغاز شد. این آغاز نقش مهمی در شکل گرفتن تئوری ادبی معاصر داشت (selden et al., 2005:63). هر چند تحقیقات نشان داده است این درس گفتارها بعدها توسط دو شاگرد وی ویرایش و اصلاح شده است (Kienpointner,2006 :445). با این وجود این نکته از نقش برجسته سوسور در فرآیند شکل گیری و تکامل تئوری های ادبی معاصر نمی کاهد.

اصطلاح «semilog» در پیوند با بررسیهای سوسور است و تکیه آن بر تفاوت و اختلاف است (castle,2007:321). « نشانه شناسی به دست فردینان دو سوسور به مثابه علمی که به بررسی زندگی نشانه ها در دل زندگی اجتماعی می پردازد طراحی شد» (گیرو، 1380:13). سوسور در مباحث خود که به چستی و نقش زبان می پردازد دو سوال را طرح می کند و به آنها پاسخ می دهد:

1. موضوع بررسیهای زبان شناسی چیست؟

2. چه رابطه ای بین واژه ها و چیزها وجود دارد؟ (selden et al;2005:63).

وی بین لانگ و پارول تفاوت قائل می شود. از دید او لانگ جنبه ی عمومی و اجتماعی زبان است در حالی که پارول جنبه شخصی دارد و به گونه ای دریافت شخصی فرد از دستگاه زبانی است (Ibid).

سوسور معتقد است واژه ها کارکرد نمادین ندارند و با خارج از خود مطابق نیستند بلکه نشانه هایی هستند که از دال و مدلول تشکیل یافته اند. این واژه ها در ارتباط با یکدیگر و در دستگاه زبانی،

معنی واژه ها را می سازند و این چنین نیست که معنی واژه ها در ارتباط با واژه ها و چیزها، معین گردد (Ibid). لانگ و پارول از اساسی ترین اندیشه های سوسور است که از نظریات امیل دورکیم<sup>1</sup> مایه می گیرد (kienpointner,2006:446). در تمایز بین لانگ و پارول می توان از اندیشه های «ویلیام دوایت ویت نی»<sup>2</sup> نیز نشان گرفت. لانگ یک نظام ذهنی است که نمود بیرونی آن پارول است. که با گفتار یکی است. سوسور زبان را به قواعد شطرنج و گفتار را به بازی آن تشبیه می کند (مکاریک، 1388:327). بنابراین تشبیه، خطایی در زبان نیست اما در گفتار خطا رخ می دهد. این خطای گفتار بر اساس قواعد ذهنی زبان اصلاح می شود. بیشترین توجه سوسور بر لانگ بوده است تا پارول (چندلر، 1387:35). اصطلاحات سوسور و مفاهیمی که وی وضع کرد بعدها توسط نشانه شناسان به گونه ای گسترده به کار گرفته شد (Abrams and Harpham,2009:325).

از نظر سوسور نشانه دارای دو جزء جداگانه است؛ دال و مدلول و رابطه ای بین این دو دلخواهی است (Ibid). اختیاری بودن نشانه زبانی در اندیشه ارسطو و افلاطون سابقه داشته است؛ ارسطو معتقد بود؛ «هیچ ارتباط طبیعی میان آوای یک کلمه از یک زبان و چیزی که به آن دلالت دارد وجود ندارد» (چندلر، 1387:52). دال ساخته آوایی قراردادی است و مدلول معنی یا ارزش معنایی آن است (Guerin et al., 2005: 370). این دو جز واحدی را به نام نشانه می سازند و هیچ انگیزه طبیعی آنها را به همدیگر پیوند نمی دهد (مکاریک، 1388:327)؛ به معنایی دیگر پیوند بین دال و مدلول ذاتی نیست بلکه قراردادی است و می تواند در سیالیت دلالت دیگرگون شود. این رابطه به قراردادهای فرهنگی و اجتماعی وابسته است (چندلر، 1387:59).

«الگوی سوسور از نشانه، شامل هیچ ارجاع مستقیمی به واقعیات بیرون از نشانه نیست» (همان، 97). هیچ تصویری پیش از آن که در ساختار زبان شکل گیرد، وجود ندارد (همان، 95). در اندیشه وی زبان واقعیت را بیان می کند نه بر عکس (همان: 55). در اندیشه و در دیدگاه سوسور واحدهای زبانی - نشانه - ارزش خود را در ارتباط با دیگر واحدها می یابند (Guerin et al. 2005: 370). اساس این ارتباط که باعث تولید معنا می شود تفاوت است (مکاریک، 1388:327)؛ یعنی تفاوت و

---

<sup>1</sup>. D.E'.Durkheim

<sup>2</sup>.Whitney

تمایزی که ذهنیت آدمی بین نشانه ها می سازد به تولید معنا منجر می شود. نشانه حاصل کارکرد ایجابی و سلبی است (سجودی، 1387: 26). دال و مدلول هنگامی که مجزا در نظر گرفته شوند کاملاً تمایزی و سلبی اند و آن هنگام که در پیوند با یکدیگر نشانه را می سازند، ویژگی ایجابی نشانه را تولید می کنند (همان، 26). تأکید سوسور بر تفاوت، پس از او مورد توجه و استفاده ی فیلسوفانی چون هایدگر قرار گرفت. هایدگر بر تفاوت بین وجود و موجودات تأکید می کند و عقیده دارد که این تفاوت در تاریخ متافیزیک به فراموشی سپرده شده است (همدانی، 1389: 126).

سوسور بررسی های زبانی را به دو گونه در زمانی و هم زمانی تقسیم می کند. اولی به تغییرات زبان در زمان تاریخی و دومی به دگرگونی های زبانی در دوره های خاص زمانی مربوط می شود. (Kienpointner, 2006:445).

وی بین محور جانشینی و همنشینی تمایز قائل می شود (مکاریک، 1388: 328). تمایز دال ها از تمایز همنشینی و جانشینی ناشی می شوند (چندلر، 1387: 127). محور همنشینی چگونگی کنار هم قرار گرفتن عناصر زبانی و محور جانشینی چگونگی جایگزینی آن ها به جای یکدیگر است (همان). محور همنشینی به روابط درون متنی و محور جانشینی با دال هایی پیوند می یابد که در متن غایب اند و بیرون از متن قرار دارند. این دو محور بافت را تشکیل می دهند و بافت، معنا را می سازد (همان، 128). طرح و ایده های سوسور دیر تحقق گرفت. نظریات سوسور در بررسی نشانه و پیوند آن با زبان و متن توسط رولان بارت<sup>1</sup> در سال 1964 با معرفی عناصر نشانه شناختی، صورت کاربردی به خود گرفت (گیرو، 1380: 15). یاکوبسن، کریستوا و بودریار نیز روش بارت را ادامه دادند (سجودی، 1378: 8-7).

اگر چه نظریات سوسور به صورت گسترده در رویکردهای ادبی و زبان شناسی به کار رفت اما انتقاداتی بر آن وارد شد و در به کارگیری آن جرح و تعدیل راه یافت. دال و مدلول در اندیشه سوسور کاملاً روان شناختی است اما اکنون دال به عنوان چیزی تلقی می گردد که می تواند دیده، شنیده، لمس و بوییده شود (چندلر، 1387: 43). از دید سوسور دال الگویی آوایی بود اما پیروان وی دال را به صورت

---

<sup>1</sup> R.G.Barthes

گفتاری و نوشتاری پذیرفتند (همان، 44) و بر ارجاع غیر مستقیم بر اشیاء واقفند هر چند در الگوی سوسور مدلول ساخت ذهن بود و ارجاع به اشیای بیرون را نادیده می گرفت (همان).  
از سوسور به خاطر غفلت از اشیا برای رسیدن به نشانه و عدم توجه به الگوی بافت اجتماعی و نادیده گرفتن روند تاریخی در بررسی های زبانی انتقاد کرده اند (چندلر، 1387: 55، 36). اگر چه ایده آلیست ها با نظریات و الگوی سوسور در بحث و بررسی زبان و نشانه مشکلی ندارند، رئالیست ها با نظریات وی همراه نیستند (همان، 99). از نظر گاه برخی استفاده از زبان شخصی (پارول) تماماً به وسیله ی نظام زبان (لانگ) مشخص نمی شود و هنگام سخن گفتن و نوشتن، نظام زبانی ما در یک روند پایان ناپذیر اصلاح و ویرایش می شود (kienpointner, 2006: 451). از نظر رئالیست ها رسانه ها نقشی در آفرینش جهان و واقعیت ندارند (چندلر، 1387: 99). ایده ی اخیر آشکارا مخالف با اندیشه ی اساسی سوسور است که زبان، جهان را می سازد.

### 1-7-3- پیرس و نشانه شناسی

رویکرد دیگر نشانه شناسی از کارهای فیلسوف آمریکایی، پیرس سرچشمه می گیرد (Barnard and spencer, 2002: 927). "semiotics" با کارهای پیرس در پیوند است و تکیه آن بر ارجاع است در حالی که «Semiolog» با کارهای سوسور در ارتباط است و تأکید آن بر تفاوت و اختلاف است (Castle, 2007: 321). پیرس اصطلاح نشانه شناسی را از جان لاک گرفت (چندلر، 1387: 26).  
وی نشانه ها را به سه نوع تقسیم میکند؛

1. شمایل که رابطه ی آن با مدلول خود از طریق شباهت ایجاد می شود؛ همچون شباهت یک پرتره با صاحب خود.
2. نمایه که رابطه ی آن مدلول خود یک رابطه ی طبیعی، علی یا معلولی است؛ مثل بادما که جهت باد را نشان می دهد.
3. نماد، رابطه ی بین نشانه و دلالت آن طبیعی نیست بلکه قراردادی است.

واژه هایی که زبان را تشکیل می دهند پیچیده ترین نشانه و کاملاً قراردادی اند (Abrams and Harpham, 2009: 324-325). پیرس عوامل دخیل در به وجود آوردن معنی را، بازنمون، تفسیر و



موضوع می دانست (سجودی، 1387: 7). به عبارت دیگر یک نشانه یک اول است که با یک دومی یا ابژه ی آن ارتباط می یابد و یک سومی را می سازد که تعبیر نامیده می شود. تعبیر همان معناست و در یک وجه خاص تر رابطه ی جانشینی میان یک نشانه و نشانه ای دیگر است (گیرو، 1380: 146). در اندیشه پیرس نشانه ای که نتواند به نشانه دیگر ترجمه شود و در آن کامل تر شود، نشانه نیست (همان، 147). پیرس شمایل را نشانه اصلی و اولی می داند (چندلر، 1387: 77) و آن را به انواع تصویر، نمودار و استعاره تقسیم می کند (سجودی، 1387: 34). از نظرگاه وی نمادها از توسعه دیگر نشانه ها به ویژه شمایل به وجود آمده اند (چندلر، 1387: 78). طبقه بندی نمادها به عنوان نشانه باید بر اساس کاربردشان در متن و بافت های خاص باشد (همان، 76).

در اندیشه پیرس زبان یک نظام نمادین است (همان: 68). نماد نشانه ای است که به واسطه ی قانونی به موضوعی ارجاع می دهد (همان) و نشانه، قراردادی و وابسته به عادت های فردی است (همان، 69).

بدون تفسیر، نماد ویژگی نشانه ای را از دست می دهد. این خلق و خوی و عادات و قواعد عمومی است که مشخص می کند نماد باید چگونه تفسیر شود (همان). در مرحله ی تفسیر است که مرز مشخصی بین اندیشه های سوسور و پیرس ایجاد می شود و مسیر خوانش پیرس از نشانه ها را از رویکرد سوسور متمایز می کند. در رویکرد پیرس نمادها ارزش بیشتری دارند تا در دستگاه فکری سوسور (همان، 76). به نظر پیرس «تنها نشانه های همگانی، نماد هستند و همگانی بودن برای ادراکشان ضروری است» (همان، 76).

ممکن است تعلق یک نشانه به مفاهیم و معانی در طی زمان تغییر کند (همان). در این تغییر نشانه ها باز می توانند دلالت گر معانی پیشین خود نیز باشند. نشانه می تواند خاصیت هم پوشانی به خود بگیرد؛ یعنی در یک متن به چندین وجه و معنا قابل ارجاع باشد (همان، 72). این تغییر و تحولات در دلالت های نشانه به فرایند نشانگی می انجامد؛ بدین معنا که نشانه هستی پویا و سیال خود را حفظ می کند و در هیچ موقعیت مسلم دلالت گری و مفهومی باز نمی ماند. رابطه ای که بین نشانه و موضوع ایجاد می شود خود نشانه ای برای مفهوم دیگر است (مکاریک، 1388: 329).

نشانه پردازی بی پایان که از دل اندیشه پیرس بر می آید افق های تفسیری پایان ناپذیر را در روی خواننده و مخاطب متن می گشاید. افقی که بعدها به خوانش های افراطی پست مدرن ها از متن و جهان انجامید. اگر چه تفسیر و چرخه ی نشانگی یا فرآیند نشانگی مقدمه ای برای تفسیر ها و تأویل های بی پایان برای مخاطب در مواجهه با متن است، دریدا به نهایت و پایان پذیری آن چرخه و نشانگی نامحدود تحت اجبار زندگی اذعان دارد (چندلر، 1387: 121).

مفهوم تفکر گفت و گویی از الگوی پیرس سرچشمه می گیرد (همان، 62). از نظرگاه او همه انواع تفکر شکلی از گفت و گوی خود (Self) با خود عمیق تر (Deeper self) است (همان). خود در تلاش است که رضایت خود عمیق تر را به دست آورد (همان). این دیدگاه در نظریات میخائیل باختین گسترده تر بحث و بررسی شد (همان). بدین ترتیب سوسور و پیرس از پایه گذاران نشانه شناسی شناخته شدند (سجودی، 1387: 18).

با گذشت زمان، رویکرد پیرس نسبت به روش سوسور با اقبال بیشتری در مطالعات زبان شناسی، خصوصاً ادبی، روبرو شد. اگر چه این دو تن از پایه گذاران نشانه شناسی مدرن هستند، تفاوت هایی بین رویکرد آنان وجود دارد که کار بست رویکرد آنان در بررسی متن ها، آشکارا به نتایج متفاوتی می انجامد.

تکیه پیرس بر ارجاع است در حالی که سوسور بر تفاوت و اختلاف بین نشانه های زبانی تأکید می کند. نظریه ی پیرس درباره تعبیر و تفسیر، نظرگاه او را از سوسور متمایز می کند (مکاریک، 1388: 329). در نظر پیرس فرآیند نشانگی جدا از گفت و گو نیست و نشانه بدون تفسیر وجود ندارد (چندلر، 1387: 310). این تعبیر و تفسیر مخاطب را در مواجهه با متن به بازی نشانه ها و لذت متن می کشاند و راه را برای تفسیرهای فراوان شخصی و اجتماعی متن باز می کند؛ راهی که سرانجام به مفاهیمی چون «درجه صفر نوشتار» لذت متن، دال تهی و مرگ مؤلف می انجامد.

الگوی نشانه پیرس سه وجهی است؛ نشانه شامل بازنمون، تفسیر و موضوع است (سجودی، 1387: 27). باز نمودن صورتی است که نشانه به خود می گیرد و تفسیر، معنای نشانه و موضوع ارجاعی است که نشانه به آن مربوط است (همان). الگوی پیرس شامل موضوع است که الگوی سوسور از نشانه،

فاقد آن است (همان، 28). تلقی پیرس و سوسور از زبان و اجزای آن متفاوت است. در نظر پیرس زبان نظامی نمادین است و همه ی واژه ها و جملات نمادند اما در اندیشه سوسور زبان ویژگی نمادین خود را از دست می دهد (همان، 33). پیرس به فرایند نشانگی معتقد است (سجودی، 1388: 60) و خلاف نظر سوسور، ابژه در اندیشه پیرس اهمیت دارد (همان، 61). مخاطب و تفسیر او آشکارا از اجزای اساسی اندیشه پیرس است که در اندیشه زبان شناسی و ساخت گرای سوسور به فراموشی سپرده می شود (همان، 62).

رویکرد پیرس به نشانه را کسانی چون چارلز ویلیام موریس و چارلز ک. آگدن ادامه دادند. اکو<sup>1</sup> نیز از دست آوردهای هر دو حوزه ی سوسوری و پیرسی استفاده کرد. سنت سوسوری را محققانی چون یاکوبسن<sup>2</sup>، بارت، کریستوا<sup>3</sup> و بودریار<sup>4</sup> ادامه دادند (سجودی، 1387: 8-7). هر چند شیوه پیرس بر یاکوبسن و ساختارگرایی کلودلوی استروس<sup>5</sup> و ژاک لکان<sup>6</sup> روان کاو تأثیر گذاشت (چندلر، 1387: 26-27).

#### 1-7-4- نشانه شناسی؛ تعریف و برخی مفاهیم آن

نشانه شناسی مطالعه نظام مند نشانه هاست (eagleton, 1996: 87) و به عنوان یک دانش، نشانه های زبانی را مطالعه می کند (Selden et al., 2005: 64). نشانه شناسی مشخصاً از نوشته های اواخر قرن 19 فیلسوف پراگماتیست آمریکایی، چارلز سندرس پیرس و از کارهای زبان شناسی سوئیسی فردینان دو سوسور در اوایل قرن بیستم رشد و پیشرفت کرد (Craig, 2006: 137). "Semiotics" یا "Semiology" که نشانه شناسان فرانسوی آن را به کار می برند از ریشه یونانی "semeion" به معنای نشانه است (مکاریک، 1388: 326).

در مطالعه نظام مند نشانه ها هر آنچه در تولید و تفسیر نشانه ها و فرآیند دلالت شرکت دارند

---

<sup>1</sup> U.ECO

<sup>2</sup> R.O.Jakobson

<sup>3</sup> J.Kristeva

<sup>4</sup> J.Baudrillard

<sup>5</sup> C.L.Strauss

<sup>6</sup> J. Lacan

بررسی و تجزیه و تحلیل می شوند (همان). نشانه شناسی به ما می آموزد که نشانه ها از چه اجزایی تشکیل شده اند و چه قوانین و نظامی بر آن ها حاکم است (گیرو، 1380: 14). در چستی نشانه حد و مرز تعریف شده ای نمی توان قائل شد. اگر حد و مرزی وجود داشته باشد آن را کنشگران متن مشخص می کنند. این مخاطبان متن - به معنای وسیع آن - هستند که معین می کنند چه نشانه ای نقش نشانه بودن را بازی میکند. با این شرح «نشانه شناسی با هر چیزی که بتواند یک نشانه قلمداد شود سرو کار دارد» (چندلر، 1387: 20).

نشانه ها می توانند هر متنی را تشکیل دهند. به عبارت دیگر هر متنی که برای مخاطب، سازنده ی معنا و مفهوم است، تشکیل شده از نشانه هاست و نشانه شناسی از طریق بررسی نشانه ها یکی از روش های تحلیلی متن است (همان، 17). در این روش به معناهای پنهان و ضمنی متن پرداخته می شود و در گام نخست، متن به عنوان یک کل ساختمند فرض می شود (همان، 28). این کلیت نظام مند، اساس آغازین یک بررسی نشانه شناختی است. در نظامی که نشانه شناسی بر آن استوار می گردد بر بافت نشانه شناسی که معنا را می سازد و نظام قواعدی که حاکم بر گفتمان متن است، تأکید می شود (چندلر، 1387: 29). نشانه شناسان در پی پاسخ به این سؤال اند « که معناها چگونه ساخته می شوند و واقعیت چطور بازنمایی می شود» (همان، 21). در پاسخ به این سؤال بیان پدیده های نامرتب ارتباط برقرار می شود (همان: 16) و در یک رویکرد متقابل طبق الگوی رماتیسیم در پی « غریبه ساختن امور آشنا و آشنا ساختن امور غریب» است (همان، 307). آشنا سازی امور غریب نمودی از سرکوبی رمز پردازی و رمزگرایی است (ستاری، 1386: 72).

نشانه شناسی باید دارای دو اساس و بنیان باشد؛

1. تئوری معنا که در آن به تفسیر شرایطی پرداخته می شود که معناها را می سازند و

به ساختار اولیه دلالت مربوط می شود.

2. دستور زبان که به ریخت شناسی و نحو نظام ها می پردازد (lambropoulos and

milller, 1987: 309-307)

دال و مدلول نشانه را تشکیل می دهند. رابطه ی نشانه با واقعیت بیرونی خود، دلبخواهی

است (Castle, 2007: 321).